



The Legal System of Recognized Religious Minority Members of the Parliament of Iran in the Light of Equality Principle

Vahid Agah* 

Assistant Professor, Public Law, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran

Moein Sabourian Goharti 

LLM, Public Law, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran

Abstract

According to the prevailing opinions on interpreting Article 64 of the Constitution of the Islamic Republic of Iran, religious minority members consisting of the Zoroastrians, the Jews, the Christians (north and south Armenians, Assyrians and Chaldeans) are not augmentable in Iran's parliament. The main goal of this article is to clarify the allocation of these five seats and its position within the scope of the principle of equality, which was done by describing-analyzing method and collecting library-documentary information. The research suggested that five members are guaranteed at a minimum and there are no limitations. This is a matter that has been modified in the statutory law and in the voting practices of the parliamentary elections and has engendered discrimination against the electoral system of these religious minorities in the registration for candidacy, in the requirements regarding qualifications of candidates, structure of supervisions, provincial and central, voting and dividing election centers. Finally, positive discrimination has changed into a negative one. The solution is to correct the acts and regulations. So we suggest amending the laws in sub-constituencies and polling places, and also the participation of minorities in control boards and increasing minorities' members in parliament.


Keywords: Article 64 of the Constitution of the Islamic Republic of Iran, Iran Parliamentary Election, Religious Minority, Equality, Positive Discrimination.

* Corresponding Author: dragah@atu.ac.ir


How to Cite: Agah, V., Sabourian Goharti, M., "The Legal System of Recognized Religious Minority Members of Iran Parliament in the Light of Equality Principle, The Quarterly Journal of Public Law Research, 23(74), (2022), 39-68.
doi: 10.22054/QJPL.2021.50434.2339

نظام حقوقی انتخابات نمایندگان اقلیت‌های دینی شناخته شده در مجلس شورای اسلامی ایران در پرتو اصل برابری

استادیار حقوق عمومی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

وحید آگاه* 

دانش‌آموخته کارشناسی ارشد حقوق عمومی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران،
ایران

معین صبوریان گهرتی 

چکیده

وفق نظر غالب در تفسیر اصل ۶۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران؛ پنج کرسی اقلیت‌های دینی شامل زرتشتیان، کلیمیان و مسیحیان (ارامنه شمال و جنوب، آشوریان و کلدانیان) در مجلس شورای اسلامی غیرقابل افزایش است. مساله اصلی مقاله، روشن نمودن موضوع اختصاص این ۵ کرسی در مجلس و جایگاه آن در محدوده اصل برابری است که با روش توصیفی - تحلیلی و شیوه گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای - اسنادی، انجام شده است. یافته‌های پژوهش حکایت از این دارد که پنج نفر، حداقلی تضمین شده است و سقفی ندارد. امری که در حقوق موضوعه و رویه عملی انتخابات مجلس، تغییر یافته و تبعیضی را در نظام انتخاباتی این اقلیت‌های دینی پدید آورده که در مراحل «ثبت نام، احراز شرایط، ترکیب هیئت‌های نظارت حوزه انتخابیه، استانی و مرکزی، رای‌دهی و تقسیم‌بندی حوزه‌ها» نمود یافته و در پایان، تبعیضی مثبت در قانون اساسی به تبعیضی منفی مبدل گشته است. راه حل اما اصلاح قوانین عادی و مقررات بر این اساس است. لذا پیشنهاد مشخص در این زمینه، اصلاح قانون در زمینه حوزه‌های فرعی و شعب اخذ رای؛ استفاده از اقلیت‌ها در هیئت‌های نظارت و تصریح به امکان افزایش نمایندگان اقلیت‌ها در مجلس می‌باشد.

واژگان کلیدی: اصل ۶۴ قانون اساسی، انتخابات مجلس شورای اسلامی، اقلیت‌های دینی، برابری، تبعیض مثبت.

مقدمه

برابری، رفتار برابر و حقوق مساوی برای شهروندان مستقر در وضعیت‌ها و شرایط برابر است. اصل برابری بعنوان یکی از مولفه‌های عدالت، از ارکان حقوق اساسی است و جایگاهی ویژه در حقوق بشر دارد. غایت این اصل، حمایت و تضمین حقوق شهروندان است. به موجب اصل برابری؛ اموری از قبیل جنسیت، طبقه اجتماعی، نژاد و مذهب تأثیری در برخورداری شهروندان از حقوق ندارد. این موضوع به برابری ارزشی برمی‌گردد یا بعبارتی دیگر، هیچ شخصی به طور ذاتی از دیگری برتر نیست. برابری در نظام تقنینی از جمله در ویژگی «کلیت» که از خصایص ذاتی قانون است، تجلی می‌یابد. مطابق این خصیصه، احکام قانون شامل حال همه افراد در شرایط مساوی می‌شود و استثنائات بدون دلیل، زمینه تبعیض را فراهم خواهد کرد که نهایتاً موانعی جدی را در روند مردم‌سالاری ایجاد می‌نماید.^۱ اما واقعیت‌های موجود به این صورت است که تفاوت ناشی از سرشت انسان یا موقعیت‌های اقتصادی و اجتماعی آنها رفتار متمایز را می‌طلبد. حقوق عمومی در این خصوص قائل به تفکیک شده و برخی از تفاوت‌ها را در هر شرایطی ممنوع، برخی دیگر را در موقعیت‌های عینی، قابل پذیرش دانسته و برخی دیگر با توجه به انگیزه‌هایی از قبیل منافع عمومی توجیه می‌شوند.^۲

در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران - زین پس، ق.ا.ج.ا. - به دین اسلام و مسلمانان، توجه ویژه‌ای شده و این مهم در ترکیب نمایندگان مجلس شورای اسلامی نیز تأثیر گذاشته است. در اصل ۶۴ ق.ا.ج.ا. مصوب ۱۳۵۸؛ برخلاف نمایندگان مسلمان، در مورد اقلیت‌های شناخته شده در اصل ۱۳ به پنج نماینده در مجلس اشاره شده بود. تعدادی که هر ده سال یک‌بار در صورت افزایش جمعیت، هم برای مسلمانان و هم غیرمسلمانان بیشتر می‌شد. حکمی که در سال ۱۳۶۸ اصلاح و به‌رغم عدم تغییر فرمول افزایش نمایندگان مسلمان، به‌ظاهر، تعداد نمایندگان اقلیت‌های دینی مذکور در عدد ۵ ثابت گردید.

در حقوق موضوعه انتخابات نیز انعکاس دین رسمی ادامه پیدا کرده و مستند به قوانین و مقررات انتخاباتی، این مهم در شرایط نامزدهای انتخابات در هنگام ثبت‌نام، بررسی

۱. کارل کوهن، *دموکراسی*، ترجمه فریبرز مجیدی (تهران: خوارزمی، ۱۳۷۳) ص ۳۹۸.

۲. محمدرضا ویژه، «مفهوم اصل برابری در حقوق عمومی نوین»، *حقوق اساسی*، شماره ۲، (۱۳۸۳)، ص ۲۳۴.

صلاحیت‌ها شامل مراجع آن و روندها، حوزه‌های برگزاری انتخابات و رای‌دهی مورد توجه قرار گرفته است. موضوعی که در پژوهش‌های حقوقی مغفول مانده و در این نوشتار تحلیل می‌شود. چه اینکه برابری می‌بایست در همه مراحل انتخابات نمایان باشد و محرومیت از حق انتخاب شدن و تبعیض در تعیین، توزیع و اعلام حوزه‌های انتخاباتی و شکایت از نتایج انتخابات از مواردی هستند که اوصاف آزاد و عادلانه انتخابات را مخدوش می‌نماید.^۱ لذا این پژوهش با بررسی و نگاهی نو به اصل ۶۴، می‌کوشد تبیین نماید پنج کرسی مذکور در این اصل برای اقلیت‌های دینی در مجلس شورای اسلامی، چه نسبتی با برابری (منع تبعیض) دارد و این مهم مآلاً چه انعکاسی در معیارها و سازوکارهای نظام انتخاباتی داشته است؟ پاسخ این سوال‌ها می‌تواند روشن سازد که نظام انتخاباتی مجلس شورای اسلامی تا چه حد، نسبت به غیرمسلمان‌های شناخته‌شده در ق.ا.ج.ا. تبعیض روا داشته است.

در کتاب‌ها و مقاله‌های حقوق اساسی، چندان به این موضوع پرداخته نشده و تنها به صورت کلی، اصل ۶۴ توصیف شده است. لذا موضوع انتخابی به صورت خاص، فاقد پیشینه است و در آثار مربوط به نظام‌های انتخاباتی نیز موضوع حقوق ایران بررسی نشده است.

در این مقاله؛ طی هفت بند به ترتیب تبعیض مثبت، برابری در اصل ۶۴ و تبعیض در مراحل ثبت‌نام، شرایط نامزدها، بررسی صلاحیت‌ها، حوزه‌های برگزاری انتخابات و رای‌دهی مورد مطالعه قرار گرفته تا پس از تبیین مفاهیم، اعمال آن در حقوق موضوعه بر اساس مراحل انتخابات تحلیل شود.

۱. مفهوم و شیوه‌های تبعیض مثبت

نقض برابری را تبعیض می‌نامند که منفی و مثبت دارد. منفی آن، مذموم است و مثبتش که به عادلانه یا منصفانه هم خوانده می‌شود یعنی برخی افراد یا گروه‌ها را با دادن امتیازهایی حتما موقت، در شرایط و موقعیت‌هایی قرار دهیم که بتوانند خود را به سایرین برسانند. اینکه تبعیض قایل شویم تا در آتیه، تبعیض منفی موجود رفع شود نیازمند توجیه،

۱. حمیدرضا نوروزیان و محمد نوروزیان، تحلیل جایگاه اصول حاکم بر انتخابات آزاد و منصفانه در قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی (تهران: مجد، ۱۳۹۳) ص ۷۸.

اقتناع و اثبات است که در مواردی همچون افراد دارای معلولیت، مورد اجماع می‌باشد. چه آنقدر در شیپور تبعیض مثبت نواخته شده که در حال حاضر می‌توان ادعا نمود اختلاف نه بر سر برابری یا عدم آن بلکه در باب مصادیق تبعیض مثبت است.^۱

ترجیح بلا مرجح قبیح است، زیرا اجتماع نقیضین را به دنبال دارد.^۲ مفهوم مخالف این عبارت، بیانگر تبعیض مثبت است. به این صورت که ترجیحی که مرجح داشته باشد، موجه است. امروزه در مورد حمایت از حقوق اقلیت‌ها، اصل عدم تبعیض باید برقرار شود.^۳ این اصل به مثابه پلی است که نظام عام حقوق بشر را به نظام حقوق اقلیت‌ها متصل می‌کند. به این معنی که این اصل، جزء خواسته‌های اولیه گروه اقلیت و از بنیان‌های نظام حقوق بشر است.^۴ هدف تبعیض؛ ایجاد محرومیت، محدودیت و یا امتیاز غیرمعقول در بهره‌مندی از حق‌ها و آزادی‌هاست. عبارتی به دنبال نقض اصل برابری است. اما تبعیض مثبت چنین نیست و با اعمال تبعیض، غایت عدم تبعیض یا برابری را می‌کاود. بعنوان مثال، مطابق بند ۴ ماده ۱ کنوانسیون بین‌المللی، رفع هر نوع تبعیض نژادی که طبق ماده واحده «قانون مربوط به قرارداد بین‌المللی رفع هر نوع تبعیض نژادی» مصوب ۱۳۴۷/۴/۳۰ به تصویب مجلس رسیده، «تدابیر خاصی» است «که صرفاً به منظور تأمین ترقی شایسته برخی از گروه‌های نژادی یا قومی یا افرادی که برای تمتع و استیفا از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی در شرایط متساوی محتاج حمایتند، اتخاذ شده باشد» و «تبعیض نژادی تلقی نخواهد گردید، مشروط بر اینکه این اقدامات منجر به برقراری حقوق متمایز برای گروه‌های نژادی مختلف نشود و پس از حصول هدف‌هایی که موجب اتخاذ تدابیر مذکور گردیده بود، ادامه نیابد».

اقلیت یکی از مفاهیمی است که بیشتر با مصادیق یا زیرمجموعه‌های آن شناخته می‌شود. عبارتی این مفهوم هیچگاه به تنهایی استفاده نمی‌شود و همیشه پسوندی همراه

۱. علی اکبر گرجی ازندریانی، در تکاپوی حقوق اساسی، چاپ سوم (تهران: جنگل، ۱۳۹۴) صص ۹۶-۹۳.

۲. احمد حیدرپور، «ترجیح بلا مرجح و اختیار»، تحقیقات کلامی، شماره ۱، (۱۳۹۲)، ص ۱۰۳.

۳. شیوا بازرگان، اقلیت: بود حقوقی و بهبود سیاسی (تهران: خرسندی، ۱۳۹۵) ص ۶۸.

۴. ستار عزیزی، حمایت از اقلیت‌ها در حقوق بین‌الملل، چاپ دوم (تهران: شهر دانش، ۱۳۹۴) ص ۱۳۹.

آن است مانند قومی، دینی، زبانی و ...^۱. برخی اقلیت را اینگونه تعریف کرده‌اند: «گروهی از اتباع یک کشور که از لحاظ ملی، نژادی، زبانی یا مذهبی از دیگر گروه‌های مردم متفاوت بوده، از لحاظ تعداد کمترند و قدرت حکومت را نیز در دست ندارند».^۲ برخی نیز بیان داشته‌اند: گروهی که خصوصیات قومی یا نژادی مشخصی دارد که آن را در موقعیت قدرت محدود و پایگاه نامطلوب قرار می‌دهد، به طوری که اعضای آن از فرصت‌ها و پاداش‌های محدود رنج می‌برد.^۳ بنابراین باید دو رکن در خصوص این مفهوم قائل شد: یکی، هویت که باعث تمایز آن‌ها از سایرین می‌شود و دیگری، گروه انسانی است. در رابطه با این واژه، معیار کمی تنها ملاک نیست. چه بسا ممکن است که گروه کثیر جامعه به دلیل وابستگی‌های قومی، زبانی، دینی و ... در موضع ضعف قرار گیرد.^۴ تبعیض مثبت باید از سه ویژگی برخوردار باشد: اول اینکه موقت باشد و نهایتاً به درهم شکستن ساختار تبعیض بینجامد نه اینکه خود، پایه‌های تبعیض را مستحکم‌تر نماید. البته موقتی به معنی مدت زمان کوتاه نیست بلکه زمان معقول و مناسبی است تا شرایط نسبت به هدف مورد نظر فراهم شود. عبارتی موقتی اما غایت‌گرایانه باشد. دوم اینکه قانونی باشد و چون استثنایی بر ویژگی ذاتی کلیت قانون است، به موجب قوانین مصوب پارلمان صورت گیرد و سوم اینکه موجه باشد یعنی بستر و شرایط را برای رشد گروه مورد نظر و تبعیض‌زدایی فراهم کند. لذا می‌بایست قانع‌کننده و در راستای افکار عمومی باشد.

در خصوص روش‌های تبعیض مثبت برحسب موضوع، سیاست‌هایی پیشنهاد و عملی شده است. از مهمترین روش‌های مورد استفاده عبارتند از: روش ذخیره^۵ که طی آن تعدادی از موقعیت‌ها که برای مشارکت گروه مورد نظر پیش‌بینی گردیده، به انحصار در

۱. خیرالله پروین و سیما سپهری فر، «حقوق اقلیت‌ها در قانون اساسی (با تاکید بر اماکن، دارایی‌ها و حقوق اساسی)»، مطالعات حقوق بشر اسلامی، شماره ۶، (۱۳۹۳)، ص ۷۵.

۲. حسین مهرپور، حقوق بشر و راهکارهای آن (تهران: اطلاعات، ۱۳۷۶) ص ۱۷۶.

۳. مرتضی نوربخش، جامعه‌شناسی عمومی (تهران: بهینه، ۱۳۸۴) ص ۱۸۷.

۴. محمدرضا خوبروی پاک، اقلیت‌ها (تهران: شیرازه، ۱۳۹۰) صص ۳ و ۲۱.

می‌آید که در نظام آموزش عالی کشورمان از آن استفاده شده است.^۱ روش دیگر، استفاده از سهمیه‌بندی^۲ است. به این صورت که دادن امتیاز برای گروه‌های هدف به صورت درصدی از کل محاسبه می‌شود. از این روش در ورود رزمندگان و داوطلبان بسیجی به دانشگاه‌ها استفاده شده است.^۳ گاهی نیز با مشخص کردن حوزه‌ای برای گروهی با ویژگی خاص، رقابتی را بین آنها طراحی می‌کنند که این روش، رقابت خاص^۴ نامیده می‌شود.^۵ مثل برگزاری آزمون اختصاصی جامعه دارای معلولیت.^۶ از دیگر روش‌ها، معافیت^۷ می‌باشد که در مورد سرباز قهرمان^۸ اعمال شده است.^۹

۲. تبعیض در اصل ۶۴ قانون اساسی: مثبت یا منفی؟

در این بند، اصل ۶۴ در قانون اساسی سال ۵۸ و اصلاحات سال ۶۸ و تفسیر آن نقد و بررسی شده است.

۲-۱. کرسی‌های اقلیت‌های دینی شناخته شده در مجلس شورای اسلامی

قانون اساسی سال ۱۳۵۸

اصل ۶۴ ق.ا.ج.ا. در سال ۵۸ اشعار می‌داشت: «عده نمایندگان مجلس شورای اسلامی، دویست و هفتاد نفر است و پس از هر ده سال، در صورت زیاد شدن جمعیت کشور در هر حوزه انتخابی به نسبت هر یکصد و پنجاه هزار نفر، یک نماینده اضافه می‌شود.

۱. رک: پذیرش ۵۰۰ نفر از متقاضیان ورود به دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی از مناطق محروم کشور بدون شرکت در کنکور مصوب جلسه ۷۳ مورخ ۱۳۶۵/۳/۲۷ شورای عالی انقلاب فرهنگی.

2. Quota.

۳. بعنوان مثال، ماده ۲ قانون ایجاد تسهیلات برای ورود رزمندگان و جهادگران داوطلب بسیجی به دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی مصوب ۱۳۶۷/۱۱/۳۰.

4. Special Competition.

۵. آندرو رینولدز و دیگران، *دانشنامه نظام‌های انتخاباتی*، ترجمه ابوذر رفیعی قهساره، چاپ دوم (تهران: پژوهشگاه مطالعات راهبردی، ۱۳۹۱) ص ۱۱۵.

۶. رک: تبصره ماده ۱۱ قانون حمایت از حقوق معلولان مصوب ۱۳۹۶/۱۲/۲۰.

7. Exemption.

۸. بعنوان مثال، تبصره ۴ ماده واحده قانون اصلاح قانون سرباز قهرمان مصوب ۱۳۹۱/۱۰/۳.

۹. ناصر فکوهی، «سازوکار تبعیض مثبت به مثابه ابزار محرومیت‌زدایی با نگاهی به موقعیت زنان در ایران»، زن در توسعه و سیاست، شماره ۳، (۱۳۸۴)، ص ۱۲۳.

زرتشتیان و کلیمیان هر کدام یک نماینده و مسیحیان آشوری و کلدانی مجموعاً یک نماینده و مسیحیان ارمنی جنوب و شمال، هر کدام یک نماینده انتخاب می‌کنند و در صورت افزایش جمعیت هر یک از اقلیت‌ها، پس از هر ده سال به ازای هر یکصد و پنجاه هزار نفر اضافی، یک نماینده اضافی خواهند داشت...». این اصل از دو وجه قابل تأمل است. یکی تعداد نمایندگان ایشان و دیگری، نحوه لحاظ نمودن کرسی‌ها.

از نظر تعداد کرسی، این اصل نسبت به اصول مشابه در پیش‌نویس‌های اول، دوم و سوم ق.ا.ج.ا.۱ بهتر بود. پیش‌نویس‌های اول و دوم برای اقلیت‌های دینی به چهار کرسی اشاره کرده بود. در حالی که اصل ۶۴ به پنج کرسی تصریح نمود. علاوه بر این، اصل ۶۴ نسبت به اصل ۵۰ پیش‌نویس سوم از حیث نگارش برتری داشت. ذکر قید «ده سال» در انتهای اصل ۶۴، صراحت برابری آن پنج کرسی با سایر کرسی‌ها را نشان می‌داد زیرا این قید در اصل ۵۰ پیش‌نویس سوم، ابتدای اصل مطرح گردیده بود و این شبهه ایجاد می‌شد که شاید این قید، مختص جامعه دینی مسلمان است و سایر اقلیت‌های دینی را در برنمی‌گیرد. لذا از نظر افزایش نمایندگان، در این اصل تفاوتی میان مشمولان اصول ۱۲ و ۱۳ ق.ا.ج.ا.۱ نبود.

نکته دیگر، نحوه تقسیم کرسی میان ایشان است. اصل ۶۴ برای زرتشتیان، کلیمیان و مسیحیان نمایندگان جدا در نظر گرفته و حتی برای ارمنی‌های ایرانی با معیار جغرافیا، تفکیک قائل شده و شمال و جنوب کشور را لحاظ نموده است. اما برای مسیحیان آشوری و کلدانی چنین نشده و برای آنها مجموعاً یک نماینده ذکر شده است. در این خصوص به هنگام تصویب در مجلس بررسی نهایی قانون اساسی؛ بیت اوشانا، نماینده مسیحیان آشوری و کلدانی، پیشنهاد داشتند که «... هر کدام به تنهایی یک نماینده یا مجموعاً دو نماینده داشته باشند تا هم راضی بشوند و هم رعایت عدالت بشود». اما محمد یزدی پاسخ دادند: «چون ملاک مذهب است، آن هر دو یک مذهب هستند. ملاک، اقلیت‌های مذهبی است و جمعیت تنها ملاک نیست». نکته‌ای که با مخالفت هیچ یک از نمایندگان حتی نماینده آشوریان و کلدانیان همراه نبود.

۱. صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، جلد سوم (تهران: اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، ۱۳۶۴) ص ۱۶۶۸.

۲-۲. مضیق کردن کرسی‌های غیرمسلمان‌های شناخته‌شده در مجلس شورای اسلامی قانون اساسی سال ۱۳۶۸

در تجدیدنظر ق.ا.ج.ا.ا. توسط شورای بازنگری در سال ۶۸ که متشکل از ۲۵ نفر بود و هیچیک از اعضای اقلیت‌های دینی عضو آن نبودند، اصل ۶۴ بدین شرح اصلاح شد: اولاً- بجای صرف جمعیت، مجموعه‌ای از عوامل موجب افزایش تعداد نمایندگان شد: «با در نظر گرفتن عوامل انسانی، سیاسی، جغرافیایی و نظایر آنها». ثانیاً- به ازای هر ده سال، سقفی برای افزایش تعداد لحاظ گردید: «حداکثر بیست نفر نماینده می‌تواند اضافه شود». ثالثاً- تکرار افزایش تعداد برای اقلیت‌های دینی در ذیل اصل حذف شد. اما تفسیر این اصل نیز مثل سایر اصول، واحد نیست.

۲-۲-۱. برداشت اول: تبعیض مثبت و منفی توامان: حداقل و حداکثر کرسی‌ها

به موجب این نظر:

اولاً- اصل ۶۴، پنج کرسی را برای این اقلیت‌ها به صورت تضمینی در نظر گرفته است. به گونه‌ای که به هر دلیلی ولو کاهش جمعیت، از این تعداد کاسته نمی‌شود. لذا با روش سهمیه‌بندی، حداقل ۵ کرسی اختصاص یافته که تبعیض مثبت بشمار می‌آید؛ چون جمعیت آنها طبق آخرین سرشماری قبل از این تقسیم‌بندی که به سال ۱۳۵۵ برمی‌گردد، بسیار کمتر از مسلمانان بود و بدون این سهمیه چه بسا در ادوار مختلف، این اقلیت‌ها اساساً نماینده‌ای نداشتند.

ثانیاً- در اصل ۶۴ تبعیض منفی هم هست و آن، عدم امکان افزایش تعداد این ۵ نماینده است. چه با تاکید بر تفسیر لفظی و تاریخی از اصل، قسمت ابتدایی اصل از قسمت دوم تفکیک می‌شود و در نتیجه ارتباط بین افزایش کرسی‌ها با مؤلفه‌های «انسانی، سیاسی، جغرافیایی و نظایر آنها» تنها مختص کرسی‌های مسلمانان است. لذا بخش دوم اصل از این قاعده مستثنی بوده و هیچ افزایش کرسی نسبت به آنها صورت نمی‌گیرد. این تفسیر با تاکید بر مشروح مذاکرات بیان می‌دارد که با حذف این قسمت نخواسته‌اند آنها را مشمول صدر اصل کنند و این پنج کرسی به صورت توامان، کف و سقف تعداد کرسی

برای ایشان است. تفسیری که به‌رغم عدم وجود نظر تفسیری یا مشورتی از جانب شورای نگهبان در خصوص این اصل، توسط این نهاد اعلام و اجرا شده است.

۲-۲-۲. برداشت دوم، تبعیض مثبت صرف: تضمین حداقل کرسی‌ها و امکان افزایش آن

وفق این برداشت، در اصل ۶۴ از تبعیض منفی خبری نیست و پدران قانونگذار بر مدار ویژگی‌های تبعیض مثبت، غایت امر را در نظر داشته‌اند و به دلایل ذیل پنج کرسی مورد بحث، حداقلی بوده و حداکثری نیست:

الف- اینکه ابتدای این اصل را حکم عام و قسمت دوم را استثنای حکم اول بدانیم صحیح نیست چون احکام دو قسمت متفاوت است. قسمت اول در باب تعداد کل نمایندگان و امکان افزایش آنها با در نظر گرفتن مجموعه‌ای از عوامل است. اما قسمت دوم در خصوص تعداد نمایندگان اقلیت‌های دینی در میان کل نمایندگان می‌باشد. اصل ۶۴ بیان می‌دارد که از کل کرسی‌ها، ۵ کرسی برای اقلیت‌ها تضمین شده و حکم پاراگراف اول اصل در خصوص افزایش نمایندگان، به اقلیت‌ها هم تسری می‌یابد. لذا قسمت اول اصل، یک قاعده عام را بیان نموده، حکم آن شامل همه کرسی‌های مجلس می‌شود و دلیلی برای محرومیت ایشان از این تضمین نیست.

ب- این اصل در جلسات ۱۱، ۱۲ (شور اول) و ۲۰ و ۳۸ (شور دوم) شورای بازنگری ق.ا.ج.ا. بررسی شد. وفق مشروح مذاکرات این شورا بجز اظهار نظر آقایان مومن و امینی بحث دیگری مطرح نگردید که برداشت شود منظور، مستثنی کردن قسمت دوم از قسمت اول اصل باشد یعنی عدم امکان افزایش تعداد نمایندگان اقلیت‌های دینی باشد بلکه تمام دغدغه اعضا حول عوامل تاثیرگذار بر افزایش کرسی‌هاست که ذیلاً دسته‌بندی شده است:

- بیان مشکلات تصمیم‌گیری و هزینه بالا و تبیین عوامل تاثیرگذار در خصوص افزایش تعداد کرسی‌ها و رد پیشنهادها در خصوص استانی شدن انتخابات مجلس؛
- حداقل تعداد نمایندگان ۲۷۰ نفر هستند و قسمت دوم از قسمت اول اصل مستثنی شده است (آقای مومن)؛
- اصل را باید بر عدم افزایش کرسی‌ها دانست؛

- اقلیت‌های دینی مذکور در قسمت دوم اصل به مانند صدر اصل باید از تناسب کرسی‌ها با افزایش جمعیت بهره‌مند شوند (پیشنهاد آقای امینی)؛
- عبارت «پس از هر ده سال» در اصل ۶۴ ق.ا.ج.ا. در سطح کشور در نظر گرفته می‌شود، نه در سطح حوزه انتخابیه.
- پیشنهاد حذف واژه کلدانی از اصل ۶۴ ق.ا.ج.ا. توسط آقای عمید زنجانی به این دلیل که کلدانیان اسم یک کلیسا است و همان آشوریان هستند.^۱
- ت- ق.ا.ج.ا. نظر به منع تبعیض داشته و با توجه به فلسفه وضع و روح ق.ا.ج.ا. برآمده از یک انقلاب اسلامی که در پی رفع نابرابری‌ها بوده و حق‌ها و آزادی‌ها در آن بغایت اعلام و تضمین شده^۲ نیز مفادی چون اصول ۱۴، ۱۹ و ۲۰ نمی‌توان اصل ۶۴ را واجد تبعیضی منفی دانست. لذا اگر ۵ کرسی اصل ۶۴ را حداقل و حداکثر دانست کاملاً برخلاف تبعیض مثبت، تبعیضی ناروا را نهادینه نموده و راه برای افزایش تنوع بسته شد.
- ث- قانون عادی نیز به حصری بودن کرسی‌های اقلیت‌های دینی حکم نداده و این مهم صرفاً در تفسیر شورای نگهبان و مجریان مطرح شده است. وفق ماده ۲ قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی مصوب ۱۳۷۸/۹/۷ با اصلاحات بعدی: «عده نمایندگان ... ۲۹۰ نفر می‌باشد و افزایش تعداد آن بر اساس اصل ۶۴ قانون اساسی خواهد بود. تبصره- از تعداد کل نمایندگان، پنج نفر به ترتیب ذیل مربوط به اقلیت‌های دینی می‌باشد: ...». در این ماده نیز ممنوعیتی بر افزایش مشاهده نمی‌شود و موضوع، همان ۵ کرسی تضمین شده است. لذا نمی‌توان این حکم را به معنای عدم امکان افزایش در نظر گرفت و هر محدودیتی در سپهر حقوق اساسی باید به صورت مضیق تفسیر شود.
- بنابراین با هر سه قسم تفسیر لفظی، تاریخی و غایی؛ اصل ۶۴ ق.ا.ج.ا. تبعیضی مثبت برای اقلیت‌های دینی به شمار می‌رود.^۳

۱. ر.ک: صورت مشروح مذاکرات شورای بازنگری قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، جلد اول (تهران: اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، ۱۳۶۴) ص ۳۳۹.

۲. وحید آگاه، «امکان سنجی افاده نظام صدور مجوز آثار هنری از قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»، تحقیقات حقوقی، شماره ۷۷، (۱۳۹۵)، ص ۳۰۴.

۳. وحید آگاه، تقریرات درس بررسی تحلیلی مبانی نظام جمهوری اسلامی ایران، دوره دکتری حقوق عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب، (۱۳۹۷)، صص ۳۵-۳۰.

۳. تبعیض در ثبت نام نامزدهای اقلیت‌های دینی: تمرکز در دو استان تهران و اصفهان

در خصوص ثبت نام نامزدهای انتخاباتی، دو رکن زمان و مکان از اهمیت بسزایی برخوردار است. زمان کافی برای ثبت نام و دسترسی آسان به شعب ثبت نام، وجهه همگانی بودن انتخابات را حفظ و به منصفه ظهور می‌رساند. وفق ماده ۱۲ قانون انتخابات مجلس - زین پس، قانون - مرکزیت حوزه انتخابیه «اقلیت‌های دینی زرتشتی، کلیمی، آشوری و کلدانی و آرامنه شمال»، فرمانداری تهران و برای آرامنه جنوب، فرمانداری اصفهان است.

وفق ماده ۴۵ قانون و ماده ۲۱ آیین‌نامه اجرایی قانون انتخابات مجلس مصوب ۹/۲۱/۱۳۷۸ با اصلاحات بعدی - زین پس، آیین‌نامه - داوطلبان نمایندگی مجلس باید ظرف هفت روز از تاریخ انتشار دستور شروع انتخابات بوسیله وزارت کشور با مراجعه به فرمانداری یا بخشداری مرکز حوزه انتخابیه یا وزارت کشور (در داخل کشور) و سفارتخانه یا کنسولگری یا نمایندگی سیاسی (در خارج کشور)، پرسشنامه مخصوص اعلام داوطلبی را دریافت، تکمیل و همراه با مدارک تسلیم نمایند. به موجب ماده ۲۳ همان مقرر نیز، مشخصات داوطلبان نمایندگی به دو صورت روزانه و هفتگی (در پایان هفت روز) توسط فرمانداران (و بخشداران) مراکز حوزه‌های انتخابیه (تهران و اصفهان) به ستاد انتخابات کشور اعلام می‌شود. اما به دلیل عدم یکسان بودن داوطلبی نمایندگان اقلیت‌های مزبور، مطابق تبصره ۱ این ماده، فرماندار تهران برای اعلام مشخصات کلیه داوطلبان به ستاد انتخابات کشور باید چهار فهرست نیز به تفکیک مراجعه کنندگان زرتشتی، کلیمی، آشوری و کلدانی و آرامنه شمال تهیه کرده و ارسال نماید. در خصوص کرسی دیگر اقلیت‌های دینی یعنی آرامنه جنوب نیز فرماندار اصفهان این تکلیف را عهده‌دار است.

مستند به ماده ۴۵ قانون، اعلام داوطلبی در «فرمانداری و بخشداری مراکز حوزه‌های انتخابیه» ممکن است. اما وفق ماده ۱۲ قانون، «انتخابات اقلیت‌های دینی ... توسط فرمانداران و بخشدارانی که اقلیت‌های مزبور در آنجا سکونت دارند، انجام خواهد شد» و این یعنی انتخاب این استان‌ها بعنوان مرکزیت حوزه انتخابیه، بی‌ارتباط با جمعیت اقلیت‌ها در این استان‌ها نیست. با وجود این، اعلام داوطلبی برای اقلیت‌های دینی به استثنای آرامنه

جنوب، در هر استانی که داوطلب ساکن باشد، باید در شهرستان تهران که شامل شهر تهران، بخش مرکزی، بخش کن و بخش آفتاب است، صورت گیرد. در خصوص ارامنه جنوب، اعلام داوطلبی باید در شهرستان اصفهان شامل شهر اصفهان و بخش‌های مرکزی، جرقویه سفلا، جرقویه علیا، جلگه، بن رود و کوهپایه صورت گیرد.

با توجه به موارد ذکر شده، اعلام داوطلبی برای انتخابات مجلس در سراسر کشور برای ۵ کرسی اقلیت‌های دینی باید در ۹ بخش‌داری و ۲ فرمانداری صورت گیرد. اما این یازده مکان برای ثبت نام در کل کشور توزیع نشده بلکه تنها دو شهرستان تهران و اصفهان میزبان ثبت نام داوطلبان هستند. در حالی که دسترسی به بخش‌داری و فرمانداری برای سایر کرسی‌های مجلس در امر ثبت نام از سهولت برخوردار است. بنابراین تبعیض در مکان اعلام داوطلبی برای نامزدهای اقلیت‌های دینی به گونه‌ای است که از نظر همگانی بودن انتخابات، قابل نقد و محل تامل می‌باشد و از ابتدای امر انتخابات یعنی ثبت نام، برابری را مخدوش ساخته است. البته این موضوعی است که با توسعه زیرساخت‌ها و اجرایی شدن انتخابات الکترونیکی قابل رفع است که تاکنون انجام نشده است.

۴. تبعیض در شرایط نامزدهای اقلیت‌های دینی

ماده ۲۸ قانون شرایط لازم برای نامزدهای انتخابات مجلس را تعیین کرده که حسب مورد، ایجابی و سلبی هستند و بحث ما در خصوص شرایطی است که به دین نامزدها مربوط است و الباقی به دلیل عمومیت از دامنه این پژوهش خارج می‌باشد.

۴-۱. ثابت‌العقیده بودن در دین نامزدهای اقلیت‌های دینی

مطابق بند یک ماده ۲۸ قانون، «اعتقاد و التزام عملی به اسلام» از شرایط انتخاب شونده‌گان است و به موجب تبصره ۱ این ماده، «داوطلبان نمایندگی اقلیت‌های دینی مصرح در قانون اساسی از التزام عملی به اسلام، مذکور در بند ۱ مستثنی بوده و باید در دین خود ثابت‌العقیده باشند» که در گذر زمان بی‌تغییر مانده است.^۱ سوای تفاوت‌های لفظی و

۱. ماده ۲۸- «انتخاب شونده‌گان هنگام ثبت نام باید دارای شرایط زیر باشند: ... ۱- اعتقاد و التزام عملی به اسلام. ۲- ... ۴- ابراز وفاداری به قانون اساسی و اصل مترقی ولایت فقیه ... تبصره- داوطلبان نمایندگی اقلیت‌های دینی مصرح در قانون اساسی از التزام عملی به اسلام، مذکور در بند ۱ مستثنی بوده و باید در دین خود ثابت‌العقیده باشند».

محتوایی اعتقاد با ایمان؛ اولاً- دستیابی به اعتقاد یا ایمان افراد، هم مستلزم ورود به حریم شخصی و تفتیش عقیده است که اصول ۲۳ و ۲۵ ق.ا.ج.ا آن را نهی کرده‌اند. هم اینکه امری بسیار دشوار بوده و انحراف آن بسیار است. امری که در خصوص مسلمان و غیر آن تفاوتی ندارد. بدین لحاظ تبصره یک کمکی به موضوع نمی‌کند و احراز ثابت‌العقیده بودن اقلیت‌های دینی مورد مطالعه، بسیار صعب می‌نماید. گفتنی است در بند ۴، «ابراز وفاداری به ق.ا.ج.ا و اصل مترقی ولایت فقیه» ذکر شده و می‌دانیم که وفاداری متفاوت با اعتقاد است، چرا که مقنن می‌دانسته اقلیت‌های دینی به‌رغم اینکه از ملت ایران هستند، جزء امت اسلام نبوده و نمی‌توان از غیرمسلمان، اعتقاد به ولایت فقیه را انتظار داشت و به همین دلیل از لفظ وفاداری استفاده نمود هرچند که ولایت فقیه نیز جزیی از ق.ا.ج.ا بوده و این قسمت از بند ۴ ماده ۲۸ حشو است.^۱

۲-۴. عدم سوء شهرت در حوزه انتخابیه، صرف جامعه دینی مربوطه یا به طور کلی؟

یکی دیگر از شرایط مبهم که جنبه محلی بودن انتخابات را به ذهن متبادر می‌کند، «نداشتن سوء شهرت در حوزه انتخابیه» در بند ۶ است. این سوء شهرت با عنایت به سراسری برگزار شدن انتخابات اقلیت‌های دینی به استثنای ارامنه که به‌صورت نیمه سراسری هستند، در کلیت این اقلیت‌های دینی مورد بررسی قرار می‌گیرد. در حالی که این ویژگی در سایر کرسی‌ها یعنی کرسی‌های مسلمانان جنبه محلی دارد و محدوده کمتری را شامل می‌شود. لذا از این جنبه نیز وضعیت اقلیت‌های دینی متفاوت است. با وجود این چون ملاک در بررسی این شرط، مطلق سوء شهرت است به جنبه دینی محدود نمی‌شود و کلیه مسائل حوزه انتخابیه را در بر می‌گیرد. این بند تنها شرط سلبی ماده ۲۸ است. بعبارتی قانون‌گذار اصل را بر حسن شهرت نامزدها قرار داده است. در همین راستا حسب بررسی نویسندگان در خصوص اینکه آیا برای بررسی صلاحیت هر یک از نامزدهای انتخابات از نهاد خاصی استعلام گرفته می‌شود یا خیر، مشخص شد که وزارت کشور در خصوص شرایط نامزدها از نهادهایی چون شورای خلیفه‌گری برای ارامنه سوال می‌کند. لذا پاسخ چنین نهادهایی برای نیل به هدف، بسیار تعیین‌کننده است.

۱. حسین مهرپور، مختصر حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران (تهران: دادگستر، ۱۳۸۷) ص ۱۵۶.

حال آنکه این روند صحیح به نظر نمی‌رسد. توضیح اینکه وفق اصل ۱۳ ق.ا.ج.ا. و حقوق موضوعه آن، در خصوص احوال شخصیه یعنی ارث، وصیت، نکاح و طلاق اقلیت‌های دینی مسیحی، کلیمی و زرتشتی وفق مقررات خاص دینی ایشان رفتار می‌شود و برای این مهم از نهادهایی چون کلیساها و شورای خلیفه‌گری استعلام می‌شود و نظر آنها عیناً در احکام دادگاه‌ها قرار می‌گیرد. اما این‌ها مواردی غیرسیاسی و از احوال شخصیه هستند و اساساً وارد به اصل اعتقاد و التزام عملی نمی‌شوند. لذا همانقدر که استعلام از این نهادها در احوال شخصیه صحیح است، در احراز صلاحیت نادرست می‌باشد چرا که این افراد مرجع تشخیص یا احراز صلاحیت هم‌کیشان خود نبوده و تنها می‌توان از آنها در آگاهی از مقررات احوال شخصیه در دین مورد نظر بهره برد. به بیان بهتر، ایشان در اموری غیر از احکام دینی، صلاحیتی برای نظردهی در مورد هم‌کیشان خود ندارند.

۵. تبعیض در ترکیب مراجع رسیدگی‌کننده به صلاحیت نامزدها

در خصوص تطبیق نامزدها با شرایط قانونی انتخاب شونده‌گان، هیئت‌هایی با نظارت شورای نگهبان و مآلاً خود شورا بررسی صلاحیت را انجام می‌دهند و سرآخر در مجلس با تایید اعتبارنامه، بررسی صلاحیت نهایی و قطعی می‌شود که در این بند صرفاً از منظر رعایت برابری نامزدهای مسلمان با غیر آن تحلیل می‌شود.

۵-۱. نسبت ترکیب هیئت‌های اجرایی با اقلیت‌های دینی

اولین مرحله رسیدگی به صلاحیت نامزدهایی که اعلام داوطلبی کرده‌اند در هیئت‌های اجرایی صورت می‌گیرد. ترکیب این هیئت‌ها شامل گروهی از نمایندگان حکومت و گروهی از به اصطلاح، معتمدان مردم است. وفق ماده ۳۱ قانون، هیئت اجرایی با حضور هیئت نظارت شورای نگهبان و عضویت دادستان و رییس ثبت احوال مرکز حوزه انتخابیه و ۸ نفر از معتمدان محل با ریاست فرماندار مرکز حوزه انتخابیه در این مرکز تشکیل می‌گردد. ۸ نفر مذکور چنین انتخاب می‌شوند که فرماندار یا بخشدار مرکز حوزه انتخابیه، بعد از اینکه ۳۰ نفر از معتمدان را برگزید باید تایید صلاحیت آنان را از هیئت نظارت شورای نگهبان بگیرد. این ۳۰ نفر در حضور هیئت نظارت شورای نگهبان و رئیس ثبت احوال از بین خود، هشت نفر را بعنوان معتمدین اصلی و پنج نفر را بعنوان معتمدین

علی‌البدل هیئت اجرایی با رأی مخفی و اکثریت نسبی انتخاب می‌نمایند (ماده ۳۲ قانون و تبصره ۱ آن).

بنابراین اقلیت‌های دینی امکان مشارکت و انتخاب در هیئت‌های اجرایی را دارند. چنانکه مستند به تبصره ماده ۱۴ آیین‌نامه، فرمانداران تهران و اصفهان (مراکز حوزه انتخابیه) مکلفند برای تعیین معتمدان هیئت اجرایی اقلیت‌ها از ۳۰ نفر معتمدان همان اقلیت دعوت نمایند. لذا اینجا مقنن و مقررات‌گذار با سخاوت‌مندی، عرصه را به معتمدین مردمی غیرمسلمان مورد تایید شورای نگهبان واگذار نموده‌اند که شایسته می‌نماید. حسب بررسی نویسندگان، در این خصوص از همکاری سازمان‌های مردم‌نهاد اقلیت‌های دینی (سمن‌های زرتشتیان، کلیمیان، آشوریان، کلدانیان و شورای خلیفه‌گری ارامنه) استفاده می‌شود.

گفتنی است طبق ماده ۳۲ قانون، ضابطه موجود در انتخاب معتمدان هیئت‌های اجرایی این است که از روحانیون و معتمدان اقشار مختلف مردم حوزه انتخابیه و بومی بوده و یا حداقل دارای سه سال سابقه سکونت در حوزه انتخابیه باشند. لفظ روحانیون، اقلیت‌های دینی را نیز در برمی‌گیرد. همچنین ایمان و التزام عملی به اسلام بدرستی در تبصره ۲ این ماده در حوزه‌هایی بجز اقلیت‌های دینی، از شرایط معتمدین است. لذا در این بند از زاویه دید مقاله یعنی برابری، نقدی وارد نمی‌باشد.

۲-۵. نسبت ترکیب هیئت‌های نظارت شورای نگهبان با اقلیت‌های دینی

بعد از رسیدگی به صلاحیت نامزدها در هیئت‌های اجرایی، نتایج برای بررسی در هیئت‌های نظارت شورای نگهبان و شورای نگهبان نیاز به طی مراتب دارد. بعد از پایان مهلت ثبت نام، صلاحیت داوطلبان مورد رسیدگی قرار گرفته و نتیجه به هیئت‌های نظارت اعلام می‌شود (ماده ۵۰ قانون). مطابق مواد ۱، ۵ و ۶ قانون نظارت شورای نگهبان بر انتخابات مجلس شورای اسلامی مصوب ۱۳۶۵/۵/۹، ترکیب هیئت‌های نظارت بر انتخابات در سه درجه حوزه انتخابیه، استان و مرکزی، به گونه‌ای است که تنها افراد مسلمان اجازه عضویت دارند و هیچ نشانی از کثرت دینی در این ترکیب دیده نمی‌شود. لذا از چهار سطح اصلی کارویژه نظارت بر انتخابات، سه سطح پایانی در انحصار مسلمانان است و ایشان بر صلاحیت اقلیت‌های دینی غیر هم‌کیش خود نظارتی تام دارند.

لذا جا داشت برای رعایت برابری در خصوص نامزدهای تضمینی اقلیت‌های دینی، حداقل یک نفر از میان ایشان می‌بود.

۳-۵. تایید اعتبارنامه منتخبان اقلیت‌های دینی در مجلسی با اکثریت قریب به اتفاق مسلمان

آنچه در سطور قبل گفته شد در رابطه با مراجع برون‌قوه‌ای تشخیص صلاحیت نامزدها بود. سوی از این مراجع، قوه مقننه نیز با تصویب اعتبارنامه نمایندگان در زمینه صلاحیت نامزدها ایفای نقش می‌کند. از این روش بعنوان روش سیاسی برای احراز صلاحیت نامزدهای انتخاباتی و سلامت انتخابات نام می‌برند.^۱ مطابق مواد ۲۶، ۲۷، ۶۶ و ۷۰ قانون آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی مصوب ۱۳۷۹/۰۱/۲۰ با اصلاحات بعدی پس از انجام مراسم تحلیف، نامزدها در پانزده شعبه تقسیم می‌شوند. یکی از وظایف این شعب، رسیدگی به اعتبارنامه نامزدها به شمار می‌رود. بعد از رسیدگی به اعتبارنامه در شعب، دو حالت متصور است؛ در یک حالت گزارش شعب مبنی بر تائید اعتبارنامه است که جهت تصمیم‌گیری به مجلس ارائه می‌شود. در حالت دیگر، گزارش شعبه مبنی بر رد اعتبارنامه است که در این حالت گزارش از طریق هیئت رئیسه به کمیسیون تحقیق ارجاع می‌شود، بعد از تصمیم‌گیری در کمیسیون تحقیق موضوع جهت تصمیم‌گیری نهایی در مجلس مطرح می‌شود.

در خصوص بررسی اعتبارنامه، تفاوتی میان نمایندگان مسلمان و غیر آن نیست جز اینکه به هر حال، اکثریتی قاطع و قریب به اتفاق به اعتبارنامه اقلیتی ۵ نفره رسیدگی می‌کنند و در صورت حب و بغض و خروج از دایره انصاف، اکثریت عددی از آن مسلمانان است. با این حال در بررسی ادوار ده‌گانه مجلس، تنها منتخب اقلیت‌های دینی که اعتبارنامه‌اش رد شد؛ اسحاق فرهمندپور، نامزد منتخب جامعه دینی کلیمیان در مجلس

۱. علی‌اکبر گرجی ازندریانی و روشنگر صابری، «تصویب اعتبارنامه نمایندگان پارلمان در کشورهای آمریکا، آلمان و ایران»، مطالعات انتخابات، شماره‌های ۵ و ۶، (۱۳۹۲)، ص ۷۶.

اول، بود که نشان می‌دهد در این خصوص عملاً سختگیری یا تبعیضی علیه نمایندگان اقلیت‌ها نیست.^۱

۶. تبعیض در تقسیم‌بندی حوزه‌های انتخابیه اقلیت‌های دینی

در نظام انتخابات، تقسیم صحیح سرزمین به حوزه‌های انتخاباتی اعم از اصلی و فرعی، رابطه مستقیم با حق تعیین سرنوشت دارد. نخستین گام در برگزاری و مدیریت آسان انتخابات را باید در تقسیم‌بندی کشور به حوزه‌بندی دقیق انتخاباتی جستجو کرد.^۲ در واقع، محدوده جغرافیایی شناخته شده قانونی با مرزهای دقیق و تعداد مشخصی نماینده را حوزه انتخابیه دانسته‌اند.^۳ مستند به اصل ۶۴ ق.ا.ج.ا. عوامل انسانی، سیاسی، جغرافیایی و نظایر آنها در تعیین حوزه انتخابیه موثر است.

تقسیم‌بندی حوزه انتخابیه مسیحیان ارمنی به شمال و جنوب، ناظر بر استان‌های ارمنی‌نشین شمالی و جنوبی است. قانون تعیین محدوده حوزه‌های انتخابیه مجلس شورای

۱. «دلایل رد اعتبارنامه ایشان از سوی کمیسیون تحقیق به این شرح است: ۱- تدریس و ارتباط با دربار پهلوی. ۲- فعالیت و همکاری با مؤسسه ORT که سازمان آموزشی یهودی است و برای اسکان یهودیان و ترتیب مهاجرت آن‌ها از نقاط مختلف دنیا و اسکانشان در منطقه اشغالی در سرزمین قدس همکاری می‌کند. ۳- موضع‌گیری‌های سیاسی آقای اسحاق فرهمندپور در مورد گروگان‌گیری جنایات آمریکا در ایران. ۴- موضع‌گیری در خصوص اعدام دانیال پور، قاچاقچی مواد مخدر. اما دفاعیات ایشان:

۱- در خصوص تدریس من به بهمن پهلوی، تحت فشار این کار انجام شد، زیرا رغبتی برای انجام این کار نداشتم و این تدریس چند جلسه بیشتر طول نکشید. ۲- با توجه به شغل معلمی من، همکاری با موسسه در قالب این پست بوده است. هیچ اطلاعی از فعالیت آن نداشتم. سال ۱۳۴۸ نیز از این موسسه بیرون آمدم. ۳- من هیچ موضع‌گیری در خصوص گروگان‌گیری که برخلاف مصالح ایران باشد، نکرده‌ام و در این زمینه از سوی روزنامه‌ها تحریف صورت گرفته است. ۴- با عنایت به اینکه آقای دانیال پور ساکن حوزه انتخابیه من بودند، بسیاری از مردم در این خصوص از من سوال می‌کردند، از این حیث من پیگیر حکم اعدام ایشان شدم. ۵- وابستگی به مسائل اقلیت، انجام خیلی از کارها را از من گرفته است. اگر یک فرد مسلمان بودم شاید خیلی ساده، خیلی کارها، خیلی نه‌ها و خیلی اعتراضات را می‌توانستم بکنم. این نکته نیز قابل ذکر است که اعتبارنامه من در اینجا رد شدن یا رد نشدنش، هیچ بستگی به منافع جامعه یهود و برادری میان جامعه یهود و جامعه مسلمان ندارد» (مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی، دوره اول، جلسه ۳۵، ۱۳۵۹/۵/۲۶، ص ۴۶۳).

۲. محمدرضا ویژه، کلیات حقوق اساسی، چاپ دوم (تهران: سمت، ۱۳۹۴) ص ۱۷۳.

۳. محمدرضا حافظ‌نیا و مراد کاویانی‌راد، اقلی‌های جدید در جغرافیای سیاسی (تهران: سمت، ۱۳۸۳) ص ۲۴۲.

اسلامی مصوب ۱۳۶۶/۱/۳۰ به تقسیم‌بندی قلمرو ایران در قالب حوزه‌های انتخابی پرداخته است. طبق این قانون، ارامنه شمال؛ استان‌های تهران، مرکزی، آذربایجان غربی، آذربایجان شرقی، گیلان، مازندران، سمنان، خراسان (رضوی)، زنجان، همدان، کردستان، کرمانشاه (باختران) و ایلام را در برمی‌گیرد. ارامنه جنوب شامل استان‌های اصفهان، یزد، خوزستان، فارس، کرمان، هرمزگان، سیستان و بلوچستان، لرستان، چهارمحال و بختیاری، بوشهر، بویراحمد و کهگیلویه را شامل می‌شود. همچنین با تاسیس استان‌های اردبیل، البرز، گلستان، قزوین، خراسان جنوبی، خراسان شمالی و قم، این استان‌ها را باید در حوزه ارامنه شمال دانست.^۱

تقسیم‌بندی مذکور به معنای این نیست که هر کدام از این استان‌ها یک حوزه فرعی بشمار می‌رود بلکه به این معنی است که هر یک، داخل در آن حوزه انتخابیه برای رأی‌دهی است. حوزه انتخابیه زرتشتیان، کلیمیان و آشوریان و کلدانیان به صورت تک کرسی در سراسر کشور برگزار می‌شود. ارامنه شمال و جنوب نیز هرچند تک کرسی هستند ولی به صورت نیمه سراسری برگزار می‌شوند.

در خصوص تغییر حوزه انتخابیه باید تفکیکی بین زمانی که صلاحیت یک نامزد تایید شده، با زمانی که هنوز به بررسی صلاحیت پرداخته نشده قائل شد. در خصوص قسمت اول به موجب ماده واحده قانون تغییر حوزه انتخابیه داوطلبان نمایندگی مجلس مصوب ۱۳۸۲/۱۰/۲۴ بعد از تایید صلاحیت، نامزدها فقط برای یک‌بار آن‌هم در مرحله اول انتخابات هر دوره اجازه دارند که تا پانزده روز قبل از روز اخذ رأی، حوزه انتخابیه خود را تغییر دهند. این موضوع برای نامزدهای اقلیت‌های دینی زرتشتی، کلیمی، آشوری و کلدانی عملاً ممکن نیست، چون با توجه به رویه عملی موجود، بررسی صلاحیت نامزد در آن جامعه دینی صورت گرفته است. ولی نامزد کرسی ارامنه می‌تواند تغییر حوزه انتخابیه دهد، زیرا ارامنه دو کرسی شمال و جنوب دارند. مبنای این دو کرسی بین ارامنه، جغرافیایی است و ارامنه شمال و جنوب از حیث مذهب تفاوتی با یکدیگر ندارند که مانعی وجود داشته

۱. قوانین تأسیس این استان‌ها به شرح زیر است: ۱- قانون تأسیس استان اردبیل مصوب ۱۳۷۲/۱/۲۲. ۲- قانون تأسیس استان البرز مصوب ۱۳۸۹/۴/۲. ۳- قانون تأسیس استان گلستان مصوب ۱۳۷۶/۹/۱۶. ۴- قانون ایجاد استان قزوین مصوب ۱۳۷۶/۳/۴. ۵- قانون تقسیم استان خراسان به سه استان مصوب ۱۳۸۳/۲/۲۹. ۶- قانون ایجاد استان قم مصوب ۱۳۷۵/۲/۴.

باشد. اما در حالت دوم، قانون‌گذار سکوت اختیار کرده است. این تغییر حوزه انتخابیه با عنایت به دلایل پیش گفته، برای اقلیت‌های دینی به استثنای ارامنه موضوعاً منتفی است. حسب بررسی نویسندگان در خصوص شمار حوزه‌های فرعی و شعب ثبت نام و اخذ رأی در انتخابات مجلس برای اقلیت‌های دینی در سراسر کشور، نتایج حاکی از دسترسی مشکل بسیاری از اعضای این اقلیت‌ها برای رأی‌دهی است که در مشارکت سیاسی آنها تأثیر گذار است. در حالی که با وجود مجوز ماده ۴۴ قانون مبنی بر دایر کردن شعب اخذ رأی سیار برای نقاطی که تأسیس شعب ثابت اخذ رأی مقدور نمی‌باشد، این مهم عملی نشده است. تعیین تعداد و محل استقرار شعب ثبت نام و اخذ رأی بر عهده هیئت‌های اجرایی حوزه‌های انتخابیه و به قرار ذیل است:

جدول شماره (۱): شعب ثبت نام و اخذ رأی

مجموع	عنوان حوزه									اقلیت‌های دینی	
	شمار شعب ثبت نام و اخذ رأی										
۹	تهران (اصلی)	مبید	یزد	کرمان	شیراز	اردکان	تفت	اصفهان	اهواز	زرتشتیان	
۱۷	۶	۱	۴	۱	۱	۱	۱	۱	۱		
۷	تهران (اصلی)	گرگان	تبریز	ارومیه	اراک	ساری	بندر انزلی			ارامنه شمال	
۲۵	۱۷	۱	۱	۱	۱	۱	۱				
۶	تهران (اصلی)	فردیس	سلماس	ارومیه	اهواز	شاهین شهر و میمه				آشوریان و کلدانیان	
۱۵	۶	۱	۱	۵	۱	۱					
۵	اصفهان (اصلی)	شیراز	اهواز	فریدن	شاهین شهر و میمه						ارامنه جنوب
۶	۲	۱	۱	۱	۱						
۴	تهران (اصلی)	شیراز	کرمانشاه	اصفهان							کلیمیان
۱۰	۶	۲	۱	۱							

شمار محدود شعب ثبت نام و اخذ رأی، بسیاری از رأی‌دهندگان را به دلیل بعد مسافت از مشارکت سیاسی و حق تعیین سرنوشت خود دور می‌کند. این موضوع، تبعیض

ناروایی برای اقلیت‌های دینی است. در حالی که این حق برای افراد مسلمان به سهولت قابل تحقق می‌باشد. موضوعی که با برگزاری الکترونیکی انتخابات قابل رفع است.

۷. تبعیض در افراد واجد صلاحیت رأی دهی به نامزدهای اقلیت‌های دینی در این بند ظرفیت قانونی رأی دهی به نامزدهایی با دین و مذهب متفاوت و تشخیص این مهم در عمل واکاوی شده است.

۷-۱. امکان قانونی رأی دهی با دین و مذهب متفاوت

رأی دهی از چنان اهمیتی در نظام انتخابات برخوردار است که می‌توان انتخابات را به قبل و بعد آن تقسیم نمود.^۱ نقش و جایگاه انتخاب شونده، دلیلی است برای اینکه مجموعه‌ای از شرایط برای انتخاب کننده وضع شود. اما این شرایط باید منطقی، عقلی و عینی باشد تا باعث محدودیت یا محرومیت برای افراد شایسته نگردد.^۲ وفق ماده ۲۷ قانون در راستای گسترش حق مشارکت سیاسی در ساحت اداره عمومی کشور،^۳ تنها سه شرط برای انتخاب کنندگان پیش‌بینی شده است: تابعیت ایران، عقل و داشتن ۱۸ سال تمام.

رویه عملی رأی دهی اما این است که هر شخص تنها در جامعه دینی خود، حق رأی دادن دارد. عبارتی وحدت جامعه دینی انتخاب کننده و شونده ملاک بوده و مستند این رویه، بخش دوم اصل ۶۴ ق.ا.ج.ا. دانسته شده است. وفق رویه، رأی دهی اعضای اقلیت‌های دینی به مسلمانان با منعی مواجه نیست زیرا هم شناسایی آنها آسان نیست و هم اینکه دولتمردان با این مهم موافقت می‌کنند. اما عکس این موضوع مشکل است، زیرا هم شناسایی مسلمانان با توجه به محدود بودن اقلیت‌های دینی دیگر و اسامی آنها ممکن می‌باشد و هم اینکه معمولاً امکان رأی دهی مسلمانان در حوزه‌های آنها نیست که البته مساله در اینجا حقوقی نبوده و عملاً و در اجرا ممانعت می‌شود. البته این موضوع به دلیل عدم تاثیر در تعداد نمایندگان این اقلیت‌ها، مغفول بوده و تاکنون در افکار عمومی خودداری از

۱. نورالله قیصری، دانیال طاهری فدافن و مهدی باقری فارسانی، «مدیریت انتخابات در ایران؛ کیفیت و ارزیابی اجرا»، پژوهش‌های راهبردی سیاست، شماره ۱۳، (۱۳۹۴)، ص ۱۵.

۲. حسن خسروی، حقوق انتخابات دموکراتیک (تهران: مجد، ۱۳۸۷) ص ۲۳۶.

۳. سیدمحمد قاری سیدفاطمی، حقوق بشر در جهان معاصر، جستارهایی تحلیلی از حق‌ها و آزادی‌ها، جلد دوم (تهران: شهر دانش، ۱۳۸۸) صص ۸۹-۹۰.

گرفتن رأی به دلیل داشتن دینی متفاوت مطرح نشده است. اما این رویه، صحیح و منطبق با قانون نیست. نه ق.ا.ج.ا. و نه قوانین و مقررات انتخاباتی، چنین منعی را برای شهروندان بیان نداشته‌اند. حتی با تفسیر تبعیض‌آمیز فعلی از اصل ۶۴ که در این مقاله رد شد نیز همخوانی ندارد. موضوعی که با حقوق بشر مذکور در ق.ا.ج.ا. و فصل حقوق ملت و روح ق.ا.ج.ا. نیز همخوانی ندارد.

رویه عملی موجود، خلاف ق.ا.ج.ا. و حقوق موضوعه انتخابات نمایندگان اقلیت‌های دینی است، زیرا مطابق قوانین و مقررات انتخاباتی با یادآوری تعداد ۵ نماینده تضمینی ایشان و صرفاً از بابت امکان رأی‌دهی به نامزدی غیر هم‌کیش رأی‌دهنده، وضعیت به شرح زیر است:

جدول شماره (۲): وضعیت رأی‌دهی

ردیف	انتخاب‌کننده	انتخاب‌شونده	وضعیت
۱	مسلمان	مسلمان	مجاز
۲	مسلمان	غیرمسلمان	مجاز
۳	غیرمسلمان	مسلمان	مجاز
۴	غیرمسلمان	غیرمسلمان	مجاز

در همین رابطه برگی از تاریخ مجلس شورای اسلامی گویای چرایی رویه موجود خلاف قوانین اساسی و عادی است. لایحه انتخابات مجلس مصوب ۱۳۶۲ بعد از اعلام وصول در مجلس، دچار تغییراتی گردید و تبصره ۲ ماده ۳۰ آن این‌گونه مقرر داشته بود: «اقلیت‌های دینی در صورت تمایل می‌توانند نماینده مسلمان در مجلس داشته باشند». اما این مهم به تصویب نرسید. مخالفان حذف از جمله آقای خلیلی این‌گونه بیان داشتند که با حذف این تبصره، دامنه انتخاب‌پذیری این اقلیت‌ها محدود می‌شود! بنابراین برای رعایت حقوق آنها بهتر است که این حکم حذف نگردد: «ما می‌خواهیم مدافع حقوق اقلیت‌ها باشیم. وقتی که یک عده اقلیتی می‌خواهند بگویند که فلان آقای مسلمان مثلاً می‌خواهد وکیل ما بشود، چرا ما باید این حق را از او بگیریم؟ این واقعاً یک نوع حق‌کشی برای آقایان است ... مگر رئیس‌جمهور آنها مسلمان نیست، مگر رئیس

الوزرايشان، مگر شورای عالی قضایی‌شان، مگر شورای نگهبان، اینها همه‌شان مسلمانند، چی شد که در اینجا باید این قید بخورد؟!^۱.

۲-۷. امکان قانونی تشخیص اقلیت‌های دینی در رأی‌دهی

طبق ماده ۱۰ قانون، رأی‌دهندگان به هنگام رأی دادن باید کارت ملی و شناسنامه خود را به همراه داشته باشند. برای تشخیص اینکه رأی دهنده مسیحی، کلیمی، زرتشتی و یا مسلمان است، بجز شیوه‌هایی چون حدس و گمان از نام و نام خانوادگی، باید به حقوق موضوعه رجوع نمود. در خصوص کارت ملی، در قانون الزام اختصاص شماره ملی و کد پستی برای کلیه اتباع ایرانی مصوب ۱۳۷۶/۲/۱۷ جز اختصاص شماره ملی به اتباع و الزام به همراه داشتن آن، حکم دیگری نیست. در آیین‌نامه اجرایی آن مصوب ۱۳۷۸/۱۲/۱ هیات دولت هم، وفق بند (چ) ماده یک؛ در کارت باید مشخصات فردی، شماره ملی و کد پستی درج شود. در ماده ۵ همین مقررہ نیز اطلاعات فردی ذکر شده که دین و مذهب در آن نیست.

منبع دیگر حقوقی در این حوزه، قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات مصوب ۱۳۸۷/۱۱/۶ است. وفق بند (ب) ماده یک این قانون، اطلاعات شخصی عبارت است از «اطلاعات فردی نظیر نام و نام خانوادگی، نشانی‌های محل سکونت و محل کار، وضعیت زندگی خانوادگی، عادت‌های فردی، ناراحتی‌های جسمی، شماره حساب بانکی و رمز عبور». در این بند به دین و مذهب اشاره نشده اما با توجه به تمثیلی بودن مصادیق، دین و مذهب به طور حتم در این دامنه قرار می‌گیرد. کما اینکه در بند دوم فصل چهارم این قانون با عنوان «حمایت از حریم خصوصی» طی ماده ۱۴، «چنانچه اطلاعات درخواست شده مربوط به حریم خصوصی اشخاص باشد و یا در زمره اطلاعاتی باشد که با نقض احکام مربوط به حریم خصوصی تحصیل شده، درخواست دسترسی باید رد شود». لذا بر پایه اصل ۲۳ ق.ا.ج.ا. مبنی بر ممنوعیت تفتیش عقیده، مفاد یادشده جملگی بر داخل بودن دین و مذهب شهروندان در حریم خصوصی تاکید دارد.

قانون ثبت احوال مصوب ۱۳۵۵/۴/۱۶ با اصلاحات بعدی، دیگر منبع حقوقی است که در این موضوع بکار می‌آید. طبق ماده ۳۶ این قانون، مندرجات شناسنامه احصا شده که دین و مذهب در آن نیست و در اصلاحات ۱۳۶۳/۱۰/۱۸ نیز این مهم اضافه نشد. با

۱. مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی، دوره اول، جلسه ۵۶۸، ۱۳۶۲/۱۱/۹، ص ۱۰۶۸۸.

این حال، وفق تبصره ۴ الحاقی به ماده ۲۰ (موضوع ماده ۹ قانون اصلاح قانون ثبت احوال)، «در اسناد سجلی اقلیت‌های دینی شناخته شده در قانون اساسی کشور، نوع دین آنان قید می‌شود». به موجب تبصره ۶ هم «مراتب تشریف پیروان ادیان دیگر به دین مبین اسلام همراه با تغییرات مربوط به نام و نام خانوادگی آنان در اسناد سجلی ثبت می‌شود». اما در هیچ یک از آن‌ها اشاره‌ای به مذهب نشده و این موضوع در خصوص مذاهب دین مسیحیت، تشخیص را با مشکل روبرو می‌کند. لذا ظاهراً حریم خصوصی و منع تفتیش عقیده نقض شده است. اما باید در نظر داشت که سند سجلی با شناسنامه متفاوت می‌باشد. چه اینکه منظور از درج دین اقلیت‌های دینی، ثبت سندی با عنوان سند مادر است که محرمانه بوده و شناسنامه تنها دارای برخی از اطلاعات سند مادر است نه همه آن. بنابراین دین و مذهب در شناسنامه و کارت ملی هیچیک از ایرانیان ذکر نمی‌شود اما در سند مادر برای اقلیت‌ها درج می‌شود. لذا اگر در هنگام رأی‌گیری به اسناد مادر دسترسی وجود داشته باشد، مشکلی برای تشخیص افراد مسلمان از غیرمسلمان وجود ندارد.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

اصل ۶۴ ق.ا.ج.ا.ا. در خصوص ۵ کرسی اقلیت‌های دینی واجد دو تفسیر می‌تواند باشد: یکی عدم امکان افزایش کرسی‌های اقلیت‌ها و دیگری، امکان این مهم در عین «تضمین حداقل کرسی». برداشت اول تبعیض آمیز است که به دلایلی از جمله عدم انطباق با اصل ۶۴ و مغایرت با سایر مفاد ق.ا.ج.ا.ا. مردود به نظر می‌رسد. اما با برداشت دوم ۵ نماینده مذکور، حداقلی هستند که وفق همان اصل با لحاظ شدن عوامل موثر سیاسی و انسانی و ... قابل افزایش هستند.

لذا برخلاف اصل ۶۴، حقوق موضوعه و رویه عملی نهادهای مجری و ناظر انتخابات مجلس، واجد تبعیض منفی است:

* اعلام داوطلبی در سراسر کشور برای ۵ کرسی اقلیت‌های دینی باید در ۹ بخش‌داری و ۲ فرمانداری (سوی وزارت کشور) صورت گیرد. اما این یازده مکان تنها در دو شهرستان تهران و اصفهان واقع شده‌اند. در حالی که دسترسی به بخش‌داری و فرمانداری برای سایر کرسی‌های مجلس به آسانی ممکن است و از این منظر، تبعیض آمیز است. این تبعیض با انتخابات الکترونیک قابل رفع است. موضوعی که تاکنون محقق نشده است.

* احراز شرط ثابت العقیده بودن برای اقلیت‌های دینی، همچون احراز اعتقاد و التزام عملی به اسلام برای مسلمانان مبهم، انتزاعی، غیرقابل ارزیابی و مخدوش کننده امنیت حقوقی شهروندان است. با این حال، احراز برای شورای نگهبان در بررسی صلاحیت نامزدهای انتخابات اقلیت‌های دینی، مشکل‌تر و امکان اعمال سلیقه بیشتر است و استعمال از نهادهای دینی این اقلیت‌ها نیز متفاوت از استعمال مسائل احوال شخصیه بوده و این نهادها صلاحیتی در این خصوص ندارند.

* توزیع نامناسب حوزه‌های فرعی و شعب اخذ رأی انتخابات اقلیت‌های دینی، سبب شده که سهولت دسترسی به صندوق‌ها برای رای‌دهندگان رعایت نشود و اعمال حق مشارکت سیاسی با دشواری همراه شود. البته این تبعیض نیز با فراهم شدن امکان انتخابات الکترونیک قابل رفع است.

* ترکیب نهادهای دخیل در انتخابات نمایندگان این اقلیت‌ها نیز تبعیض‌آمیز است. برخلاف هیئت‌های اجرایی که در آنها امکان حضور نمایندگان اقلیت‌های دینی، پیش‌بینی شده در سطوح اصلی و بالاتر یعنی هیئت‌های نظارت حوزه انتخابیه، استان و مرکزی، مسلمانی شرط بوده و تبعیض منفی عیان شده است.


* در امکان رأی‌دهی مسلمانان به اقلیت‌های دینی و برعکس نیز منع قانونی وجود ندارد و اتفاقاً این مهم موافق اصل ۶۴ و سایر مفاد ق.ا.ج.ا.ا است و حتی قوانین عادی هم امکان قانونی تشخیص مسلمان از غیر آن را فراهم نموده و رویه عملی موجود مبنی بر ممانعت این مهم، مغایر قوانین اساسی و عادی و اصل برابری است.

در نهایت، ق.ا.ج.ا.ا.ا تبعیضی علیه اقلیت‌های دینی غیرمسلمان را در نظام انتخاباتی مجلس ایجاد نکرده اما قوانین عادی و روندهای عملی، زمینه تبعیض را فراهم نموده‌اند. از ستون‌های انتخابات آزاد و منصفانه است که هرکس حق دارد در اداره کشورش در چارچوب قانون اساسی مشارکت کند و از موقعیت مساوی برای نامزد شدن برخوردار باشد. لذا وضع محدودیت برای انتخاب‌پذیری نباید ناقض اصل عدم تبعیض بر مبنای نژاد، رنگ، دین، مذهب و مانند آنها باشد. امری که در خصوص اقلیت‌های دینی مورد مطالعه به طور کامل رعایت شده است.

ORCID

Vahid Agah 

<https://orcid.org/0000-0002-5095-5679>

Moein Sabourian Goharti 

<https://orcid.org/0000-0001-5416-3049>

منابع

کتاب‌ها

- بازرگان، شیوا، اقلیت: بود حقوقی و بهبود سیاسی (تهران: خرسندی، ۱۳۹۵).
- حافظ‌نیا، محمدرضا و کاویانی‌راد، مراد، *افق‌های جدید در جغرافیای سیاسی* (تهران: سمت، ۱۳۸۳).
- خسروی، حسن، *حقوق انتخابات دموکراتیک* (تهران: مجد، ۱۳۸۷).
- خوبروی پاک، محمدرضا، *اقلیت‌ها* (تهران: شیرازه، ۱۳۹۰).
- رینولدز، آندرو و دیگران، *دانشنامه نظام‌های انتخاباتی*، ترجمه ابوذر رفیعی قهساره، چاپ دوم (تهران: پژوهشگاه مطالعات راهبردی، ۱۳۹۱).
- صورت مشروح مذاکرات شورای بازنگری قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، جلد اول (تهران: اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، ۱۳۶۴).
- صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، جلد ۳ (تهران: اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، ۱۳۶۴).
- عزیزی، ستار، *حمایت از اقلیت‌ها در حقوق بین‌الملل*، چاپ دوم (تهران: شهر دانش، ۱۳۹۴).
- قاری سیدفاطمی، سیدمحمد، *حقوق بشر در جهان معاصر، جستارهایی تحلیلی از حق‌ها و آزادی‌ها*، جلد دوم (تهران: شهر دانش، ۱۳۸۸).
- کوهن کارل، *دموکراسی*، ترجمه فریبرز مجیدی (تهران: خوارزمی، ۱۳۷۳).
- گرجی ازندریانی، علی اکبر، *در تکاپوی حقوق اساسی*، چاپ سوم (تهران: جنگل، ۱۳۹۴).
- مهرپور، حسین، *مختصر حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران* (تهران: دادگستر، ۱۳۸۷).
- مهرپور، حسین، *حقوق بشر و راهکارهای آن* (تهران: اطلاعات، ۱۳۷۶).
- نوربخش، مرتضی، *جامعه‌شناسی عمومی* (تهران: بهینه، ۱۳۸۴).
- نوروزیان حمیدرضا و نوروزیان محمد، *تحلیل جایگاه اصول حاکم بر انتخابات آزاد و منصفانه در قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی* (تهران: مجد، ۱۳۹۳).
- ویژه محمدرضا، کلیات حقوق اساسی، چاپ دوم (تهران: سمت، ۱۳۹۴).

مقاله‌ها و تقریرات

- آگاه، وحید، «امکان سنجی افاده نظام صدور مجوز آثار هنری از قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»، تحقیقات حقوقی، شماره ۷۷، (۱۳۹۵).
- آگاه، وحید، تقریرات درس بررسی تحلیلی مبانی نظام جمهوری اسلامی ایران، دوره دکتری حقوق عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب، (۱۳۹۷).
- پروین، خیرالله و سپهری فر، سیما، «حقوق اقلیت‌ها در قانون اساسی (با تاکید بر اماکن، دارایی‌ها و حقوق اساسی)»، مطالعات حقوق بشر اسلامی، شماره ۶، (۱۳۹۳).
- حیدرپور، احمد، «ترجیح بلامرجح و اختیار»، تحقیقات کلامی، شماره ۱، (۱۳۹۲).
- فکوهی، ناصر، «سازوکار تبعیض مثبت به مثابه ابزار محرومیت‌زدایی با نگاهی به موقعیت زنان در ایران»، زن در توسعه و سیاست، شماره ۳، (۱۳۸۴).
- قیصری، نورالله، طاهری فدافن، دانیال و باقری فارسانی، مهدی، «مدیریت انتخابات در ایران؛ کیفیت و ارزیابی اجرا»، پژوهش‌های راهبردی سیاست، شماره ۱۳، (۱۳۹۴).
- گرجی ازندریانی، علی اکبر و صابری، روشنک، «تصویب اعتبارنامه نمایندگان پارلمان در کشورهای آمریکا، آلمان و ایران»، مطالعات انتخابات، شماره ۵ و ۶، (۱۳۹۲).
- ویژه، محمدرضا، «مفهوم اصل برابری در حقوق عمومی نوین»، حقوق اساسی، شماره ۲، (۱۳۸۳).

References

Books

- Bazargan, Shiva, *Minority, Legal and Political Improvement* (Tehran: Khorsandi, 2016).
- Hafez Nia, Mohammad Reza & Kavyani Rad, Morad, *New Horizons in Political Geography* (Tehran: Samt, 2004). [In Persian]
- Islamic Parliament of Iran, *Details of Negotiations of Revision Council of the Constitution of Islamic Republic of Iran*, First and Third Volume (Tehran: Department General of Cultural Affairs of Public Relations of Islamic Parliament of Iran, 1985). [In Persian]
- Khosravi, Hassan, *Democratic Elections Law* (Tehran: Majd, 2008). [In Persian]

- Khobroye Pak, Mohammad Reza, *Minorities* (Tehran: Shirazeh, 2011). [In Persian]
- Rynolds, Andrew & etc., *Encyclopedia of Election System*, Translated by Abouzar Rafiei Ghahsareh, Second Edition (Tehran: Strategic Studies Research Center, 2012). [In Persian]
- Azizi, Sattar, *Support of Minorities in International Law*, Second Edition (Tehran: Shahre Danesh, 2015). [In Persian]
- Ghari Seyed Fatemi, Seyed Mohammad, *Human Rights in Contemporary World*, Analytical Search of Rights and Freedoms, Second volume (Tehran: Shahre Danesh, 2009). [In Persian]
- Kouhen, Carl, *Democracy*, Translated by Fariborz Majidi (Tehran: Kharazmi, 1994). [In Persian]
- Gorji Azandaryani, Ali Akbar, *In Search of the Constitution Law*, Third Edition (Tehran: Jangal Publications, 2015). [In Persian]
- Mehrpour, Hossein, *A Short Review of the Constitution of Islamic Republic of Iran* (Tehran: Dadgostar, 2008). [In Persian]
- Mehrpour, Hossein, *Human Rights and Its Solutions* (Tehran: Ettelaat, 1997). [In Persian]
- Nourbakhsh, Morteza, *Public Sociology* (Tehran: Behineh, 2005). [In Persian]
- Norouzian Hamid Raze and Mohammad, *Analysis of Status of Principles Governing over Free and Fair Election in Election Act of Islamic Parliament of Iran* (Tehran: Majd, 2014). [In Persian]
- Vijeh Mohammad Reza, *Generalities of the Constitution Law*, Second Edition (Tehran: Samt 2015). [In Persian]

Articles

- Agah, Vahid, “Feasibility Study of System of Issuing License of Artistic Works in the Constitution of Islamic Republic of Iran”, *Legal Research*, Issue.77 (2016). [In Persian]

- Agah, Vahid, Analytical Study of fundamentals of Islamic Republic of Iran System, Phd Degree of Public Law, Islamic Azad University, South of Tehran Branch, (2018). [In Persian]
- Parvin, Khierollah and Sepehri Far, Sima, “Law of Minorities on the Constitution of Islamic Republic of Iran (By Focusing on Places, Properties and Constitution Law)”, Islamic Human Rights Studies, Issue. 6, (2014). [In Persian]
- Heydarpour Ahmad, “Distinction without a Difference”, Oral Research, Issue.1, (2013). [In Persian]
- Fokouhi, Naser, “Mechanism of Positive Discrimination as Tool for Elimination Deprivation by Look toward Status of Women in Iran”, Women in Development and Policy, Issue. 3, (2005). [In Persian]
- Gheysari, Norollah, Taheri Fadafan, Daneil and Bagheri Farsani, Mehdi, “Election Management in Iran”, Quality and Evaluation of Execution, Strategic Political Research, Issue. 13, (2015). [In Persian]
- Gorji Aznadryani, Ali Akbar & Saberi, Roshanak, “Confirmation of Credentials of Member of Parliament in USA”, Germany and Iran, Election Studies, Issue. 5, 6, (2013). [In Persian]
- Vijeh, Mohammad Reza, “Concept of Principle of Equity in Modern Public Law”, Constitution Law, Issue. 2, (2004). [In Persian]

Acts, Regulations and Documents

- Admission of 500 Applicants of Entrance to Universities and Education Institutes from Deprived Districts of Iran, 73rd Session of Council of Cultural Revolution, June 17, 1986.
- Amending Civil Status Registration Act, Jan 8, 1985.
- Amending Championship Soldier Act, Dec 23, 2013.
- Amending of Domain of Election Districts of Islamic Parliament of Iran Act, Jan 14, 2004.

- Details of Negotiations of Islamic Parliament of Iran at 35th Session, Aug 17, 1980.
- Details of Negotiations of Islamic Parliament of Iran at 568th Session, Jan 29, 1984.
- Determining Domain of Election Districts of Islamic Parliament of Iran Act, Apr 19, 1987.
- Election of Islamic Parliament of Iran Act, Nov 28, 1999.
- Establishing Facilities for Basiji Entrance of Fighters into Universities and Education Institutes Act, Feb 19, 1989.
- International Convention on the Elimination of All Forms of Racial Discrimination Act, July 21, 1968.
- Obligation of allocating National Code and Zip Code for all Iranian Nationals Act, May 7, 1997.
- Publishing and free access to information Act, Jan 25, 2009.
- Regulation of election Act of Islamic Parliament of Iran, Dec 12, 1999.
- Regulation of Obligation of Allocating National Code and Zip Code for all Iranian Nationals Act, Feb 20, 1999.
- Supervision of Guardian Council on Election Islamic Parliament of Iran Act, July 31, 1986.
- Supporting of Person of Disability Act, Mar 11, 2018.
- The Constitution of Iran, 1979 and Its Revision on 1989.